



دانشگاه گوارا، نشریه علمی-پژوهشی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

<http://jead.gau.ac.ir>

صفحات: ۸۱-۹۶

DOI: 10.22069/JEAD.2021.19510.1529

مقاله کامل علمی-پژوهشی

تحلیل محتوای موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام

آموزش عالی کشاورزی کشور

زهره معتمدی نیا^{۱*}، سیدحمید موحد محمدی^۲، امیر علم بیگی^۳، حسین مهدی زاده^۴

^۱مدیر مؤسسات و بازاریابی پارک علم و فناوری ایلام

^۲استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

^۳استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

^۴استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشکده مدیریت، دانشگاه ایلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تحلیل محتوای موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور انجام شد. این مطالعه با رویکرد استقرایی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. در این مطالعه با استفاده از نمونه گیری هدفمند دیدگاه فعالان استارت آپی و مطلعان کلیدی در دو بخش خصوصی و دولتی تحلیل گردید. به منظور مدیریت و تحلیل داده ها از نرم افزار MAXQDA^{۱۲} استفاده شد. به این صورت که ابتدا واحدهای معنایی از متن مصاحبه ها استخراج شد. سپس این واحدها بر اساس اشتراک مضامین مقوله بندی شدند و در نهایت مقوله ها بر اساس ارتباطی که با یکدیگر داشتند، در طبقات جداگانه ای به نام مضامین قرار گرفتند. مطابق یافته ها خرده مقوله های "نقش نامناسب دولت در ساخت اکوسیستم" و "رهبری ناکارآمد" از مؤلفه های موانع سیاستی، خرده مقوله های "مشکلات فرهنگی"، "فقدان تفکر چندبعدی و سیستمی" و "نقلید از اکوسیستم های موفق دنیا" از مؤلفه های موانع فرهنگی، خرده مقوله های "عملکرد ضعیف نهادهای حرفه ای حامی کارآفرینی" از مؤلفه های موانع حمایتی (زیرساختی)، خرده مقوله های "فضای نامناسب بازار"، "وضعیت نامناسب اقتصادی" و "فقدان تعامل اکوسیستمی" از مؤلفه های موانع بازار، خرده مقوله های "فاصله دانشگاه های کشور تا رسیدن به دانشگاه کارآفرین" و "فقدان نیروی انسانی ماهر" از مؤلفه های موانع انسانی و خرده مقوله های "مشکل سرمایه و سرمایه گذاری" و "اتکاء بیش از حد به منابع مالی دولتی" از مؤلفه های موانع مالی دارای بیشترین فراوانی ها بودند. همچنین، مؤلفه های موانع انسانی اولویت اول را در ممانعت از رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور داشت. لذا، پیشنهاد می گردد، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشاورزی کشور آموزش های مهارتی لازم در حوزه های کارآفرینی و راه اندازی کسب و کارهای نوپا را برای دانشجویان رشته های کشاورزی ارائه نمایند.

واژه های کلیدی: تحلیل محتوا، موانع، اکوسیستم کارآفرینی، مدل آیزنبرگ، آموزش عالی کشاورزی.

*نویسنده مسئول: zohreh.motamedi@ut.ac.ir

مقدمه

امروزه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از ماندگارترین مؤسسه‌ها در جهان می‌باشند. از این رو، نقش‌ها و وظایف جدیدی برای آن‌ها تعریف شده است که اگر نتوانند در راستای توسعه‌ی کارآفرینی گام بردارند، کشورهاشان در توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای و رقابت‌های بین‌المللی موفق نخواهند شد (بیژنی و همکاران، ۱۳۹۴). از جمله این نقش‌ها و وظایف در مراکز آموزش عالی کشاورزی می‌توان به مدیریت محیط‌های پیش‌رشد و رشد برای دانشجویان، کمک به دانشجویان در تأسیس شرکت‌های زایشی و دانش‌بنیان کشاورزی هنگام تحصیل و انتقال شرکت‌های کشاورزی ثبت‌شده توسط دانشجویان و اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های کشاورزی و منابع طبیعی به پارک‌های علم و فناوری اشاره کرد (عابدی و همکاران، ۱۳۹۶). با این وجود، اقدامات یادشده هیچ‌گاه در خلاء رخ نمی‌دهند. بلکه، نیازمند محیط مساعدی می‌باشند که در آن همه‌ی عوامل به‌شکل مناسب با هم همکاری کنند که از این محیط با نام اکوسیستم کارآفرینی یاد می‌شود (Forfas, 2009). این اکوسیستم در برگیرنده صدها عنصر بوده که از جمله آن‌ها دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هستند. از این رو، لازم است دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و از جمله آموزش عالی کشاورزی در راستای رشد محیط کارآفرینی تمهیدات لازم را اندیشیده و عهده‌دار مسئولیت‌های جدیدی در قبال آن شوند (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). زیرا، بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی از چالش‌های مهم آموزش عالی بوده و براساس آمارهای موجود حدود ۲۲ درصد از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی جویای کار هستند که ۱۰ درصد بیش از نرخ بیکاری کل جامعه است (حسین‌پور و رضایی، ۱۳۸۹). لذا، چنانچه از نتایج مطالعات Hejazi و همکاران (۲۰۰۸)،

برمی‌آید، با توجه به رشد بیش از حد دانش‌آموختگان کشاورزی و افزایش نرخ بیکاری آن‌ها هدایت دانش‌آموختگان کشاورزی به سمت راه‌اندازی کسب‌وکار در بخش‌های مختلف کشاورزی امری اجتناب‌ناپذیر است. با این وجود، ناتوانی دانشجویان و دانش‌آموختگان کشاورزی در راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا (استارت‌آپ) از چالش‌های اساسی می‌باشد (مردانشاهی، ۱۳۹۶)، و با وجود فعالیت مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها و دیگر برنامه‌ریزی‌ها در چند سال اخیر تعداد کسب‌وکارهای نوپای کشاورزی که در ایران ایجاد شده از متوسط جهانی نیز کمتر بوده است (نادری و همکاران، ۱۳۹۵). در حالی که، شکل‌گیری و رشد کسب‌وکارهای نوپا به‌صورت پیوسته و نظام‌یافته در حوزه‌های مختلف از جمله کشاورزی نیرویی مؤثر جهت پویایی و پیشرفت به شمار می‌رود (Flavell, 2017; Stucki, 2016).

بسیاری از کارشناسان بر این باورند که در صورت نهادینه‌شدن کارآفرینی و توسعه آن در مراکز آموزش عالی می‌توان به حل بحران اشتغال دانشجویان و دانش‌آموختگان و توسعه‌ی خوداشتغالی آنان امیدوار بود (میثمی و همکاران، ۱۳۹۶). در همین راستا، مأموریت سوم دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی علاوه بر آموزش به‌عنوان اولین و قدیمی‌ترین مأموریت و پژوهش به‌عنوان دومین مأموریت به‌منظور بهبود فضای کارآفرینی و کسب‌وکار مأموریت کارآفرینی است که در صدر مأموریت آموزشی و پژوهشی آن‌ها قرار گرفته است (Czarnitzki, 2016)، و فعالیت‌هایی نیز در راستای کارآفرینی و توسعه‌ی آن در مراکز آموزش عالی کشور انجام شده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱). هر چند تجارب به‌دست آمده نشان از آن دارد که این فعالیت‌ها نتوانسته‌اند انگیزه لازم برای ورود به دنیای کارآفرینی و کسب‌وکار را در میان دانشجویان و دانش‌آموختگان ایجاد نمایند (رستمی و

گرفته است. تعاریف نوعاً اهمیت روابط محلی و دارای وابستگی متقابل میان بازیگران مختلف اکوسیستم را به عنوان عناصر اصلی پیشران عملکرد اکوسیستم ارائه می‌کنند. Stam (۲۰۱۵) یک تعریف وسیع از اکوسیستم‌های کارآفرینی با عنوان "مجموعه‌ای از بازیگران و عوامل به هم وابسته‌ی هماهنگ شده به نحوی که کارآفرینی سازنده را فعال می‌کنند"، ارائه نمود. Mason and Brown (۲۰۱۴) اکوسیستم کارآفرینی را مجموعه‌ای از کنشگران کارآفرینی مرتبط به یکدیگر (کنشگران بالفعل و بالقوه)، سازمان‌های کارآفرینی (برای مثال: شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، فرشتگان کسب‌وکار، بانک‌ها)، مؤسسات (دانشگاه‌ها، سازمان‌های بخش دولتی، نهادهای مالی) و فرایندهای کارآفرینی (برای مثال: میزان ایجاد کسب‌وکار، تعداد شرکت‌های با رشد بالا، تعداد کارآفرینان سریالی، سطوح جاه‌طلبی کارآفرینی و...) که به صورت رسمی و غیررسمی به ایجاد ارتباط، مداخله و مدیریت عملکرد در محیط کارآفرینی محلی متکی هستند، تعریف کردند. به زعم Spigel (۲۰۱۷) اکوسیستم‌های کارآفرینی ترکیبی از عناصر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در یک منطقه هستند که از توسعه و رشد نوآوری‌های نوپا حمایت می‌کنند و کارآفرینان نوظهور و دیگر بازیگران را تشویق می‌کنند تا خطرات شروع و تأمین مالی ایجاد یک کسب‌وکار نوپا را بپذیرند. Kuratko و همکاران (۲۰۱۷) بر این باورند که اکوسیستم کارآفرینی تلاش‌های هماهنگ برای ایجاد محیط‌هایی منجر به افزایش احتمال موفقیت سرمایه‌گذاری‌های جدید در کسب‌وکارهای نوپا می‌باشند و بر ایجاد محیط‌هایی که منجر به موفقیت کارآفرینان و سرمایه‌گذاری‌های جدید آن‌ها باشد، متمرکز شده‌اند. به زعم Bruns و همکاران (۲۰۱۷) اکوسیستم کارآفرینی، مجموعه‌ای است چند بعدی از عوامل متقابل که تأثیر فعالیت کارآفرینی بر رشد اقتصادی را تعدیل می‌کند. آنچه از تعاریف

همکاران، (۱۳۹۰). لذا، این امر محتمل است که اتخاذ رویکرد اکوسیستم کارآفرینی در این راستا راهگشا باشد. شواهد نیز حاکی از آن است که حمایت‌های محیطی و ایجاد محیط مناسب برای تأثیرپذیری نظام آموزشی در ایجاد و توسعه‌ی کسب‌وکارها می‌تواند بر توسعه‌ی کارآفرینی تأثیر داشته باشد (Toledano and Urbano, 2008). از این رو، تحقیق حاضر بر اساس تحلیل محتوا به بررسی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشاورزی کشور پرداخته است، زیرا تاکنون چنین پژوهشی در این حوزه بر اساس تحلیل محتوا انجام نشده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق: اکوسیستم کارآفرینی ممکن است در سطح منطقه‌ای یا ملی و یا در سطح دانشگاه تشکیل شود (Morris et al., 2017). بر این اساس، دانشگاه‌ها در دو سطح با اکوسیستم کارآفرینی گره خورده‌اند. سطح اول وجود آن‌ها به عنوان قسمتی از اکوسیستم کارآفرینی منطقه‌ای و سطح دوم اکوسیستم کارآفرینی درون دانشگاه (Isenberg, 2010; Miller and Acs, 2017). در مورد اکوسیستم کارآفرینی درون دانشگاه عواملی نظیر: جو مساعد آموزشی، نحوه مدیریت و رهبری، زیرساخت‌های مناسب نظیر: دوره‌های آموزشی می‌توانند نقش مؤثری در پرورش دانشجویان کارآفرین بالقوه ایفا نمایند (Miller and Acs, 2017). لذا، دانشگاه‌ها در این خصوص سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجهی داشته‌اند (Sieger et al., 2014). با این وجود، در ایران به اکوسیستم کارآفرینی در دانشگاه‌ها و شناخت مؤلفه‌ها و رشد زیرساخت‌های آن به عنوان برنامه‌ی عملیاتی در دانشگاه توجه جدی نشده است (مرجایی و پورآتشی، ۱۳۹۵).

گفتنی است، تلاش‌های متعددی برای ارائه تعریف از مفهوم اکوسیستم کارآفرینی در سال‌های اخیر صورت

اکوسیستمی وجود ندارد که ظرفیت جذب مناطق را بالا برد و فعالیت‌های دانشگاه‌ها را به نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوند دهد. بنابراین، تنها راه بهبود کمک دانشگاه‌ها به توسعه منطقه‌ای ساخت اکوسیستم توسعه مبتنی بر دانشگاه است که همت دولت، دانشگاه‌ها و دیگر نهادهای ذی‌صلاح را طلب می‌کند.

Rice و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه خود شش دانشگاه را در چهار کشور مورد مطالعه قرار دادند و دریافته‌اند، حداقل ۲۰ سال طول می‌کشد که یک سبد جامع از عناصر اکوسیستم در دانشگاه شکل گیرد. Fu and Hsia (۲۰۱۷) در مطالعه خود دریافته‌اند که عوامل مؤثر بر ایجاد اکوسیستم کارآفرینی دانشگاه استنفورد فرهنگ ریسک‌پذیری، وجود جامعه‌ی علاقه‌مند به کارآفرینی، حمایت دولت، همکاری با صنعت و دانشجویان مستعد می‌باشند. Miller and Acs (۲۰۱۷) در مطالعه موردی خود که با اقتباس از تئوری مرزی ترنر^۱ انجام شد، سه عامل اصلی ایجاد اکوسیستم کارآفرینی در دانشگاه شیکاگو را آزادی عمل دانشگاهیان، تنوع جمعیتی در دانشگاه و دارایی‌های در دسترس دانشگاه معرفی نمودند. Thomsen و همکاران (۲۰۱۸) در رابطه با تأثیر دانشگاه‌ها به‌عنوان هسته اکوسیستم کارآفرینی اجتماعی عواملی نظیر تخصیص منابع به دانشگاه‌ها برای کارآفرینی اجتماعی، افزایش تمرکز داخلی دانشگاه‌ها بر کارآفرینی اجتماعی و ایجاد مشوق‌های مؤثر برای دانشجویان را تأثیرگذار دانستند. باید توجه داشت، تحولات اخیر در بازار کار ضرورت توجه دانشکده‌های کشاورزی به اشتغال‌پذیری دانشجویان و دانش‌آموختگان را بیش از پیش برجسته نموده است (غلامی و همکاران، ۱۳۹۰). به‌طوری که، این قشر ناگزیرند تحولی اساسی در نوع نگاه به اشتغال داشته باشند و ایجاد چنین نگرشی از وظایف آموزش عالی است (ابدی، ۱۳۹۹). حال با توجه به آن که فعالیت‌های اخیر بر روی اکوسیستم‌های

برمی‌آید، این است که اکوسیستم کارآفرینی به‌دنبال شناسایی و ایجاد تعامل میان عناصری است که در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر کارآفرینی و شکل‌گیری کسب‌وکارهای نوپا اثرگذار هستند (فلاح و همکاران، ۱۳۹۸). در ادامه نتایج برخی مطالعات انجام شده در حوزه‌ی اکوسیستم کارآفرینی آورده شده است.

نادری و همکاران (۱۳۹۵) به پدیدارشناسی موانع ایجاد و راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپای کشاورزی پرداخته‌اند که عمده‌ی این موانع عبارت بودند از: جذابیت پایین فعالیت در بخش کشاورزی به‌منظور جذب سرمایه، تفکر هزینه بالا و حاشیه سود پایین فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی، هزینه بالای تأمین تجهیزات و ملزومات اولیه جهت راه‌اندازی استارت‌آپ کشاورزی، اتلاف ایده به‌دلیل طولانی بودن روند اخذ پروانه ساخت در بخش کشاورزی.

مطابق مطالعه داوری و همکاران (۱۳۹۶) ابعاد مدل مفهومی اکوسیستم کارآفرینی از دیدگاه خبرگان عبارت بودند از: سیاست (دولت، رهبری)، حمایت‌ها (انجمن‌های صنفی، زیرساخت‌ها)، سرمایه‌انسانی (نیروی کار، مؤسسه‌های آموزشی)، سرمایه‌مالی، بازارها (مشتریان، شبکه‌ها)، فرهنگ (داستان‌های موفقیت، هنجارهای اجتماعی). همچنین، مطابق مطالعه آن‌ها مجموعه‌ای از عوامل کارایی یک اکوسیستم کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که به‌ترتیب حمایت‌ها، سرمایه انسانی، بازارها، فرهنگ، سیاست و سرمایه‌مالی بر اکوسیستم کارآفرینی ایران تأثیرگذار می‌باشند. انتظاری (۱۳۹۷) در مطالعه خود دریافت که اکوسیستم توسعه دانش‌بنیان در استان‌های ایران شکل نگرفته است. بر این اساس، دانشگاه‌های استانی در ایران تأثیر درخور توجهی بر توسعه منطقه‌ای ندارند. چون دانشگاه‌ها نمی‌توانند فرایندها و قابلیت‌های پایه استان‌ها را به نوآوری، کارآفرینی و کسب‌وکارهای دانش‌بنیان تبدیل کنند. از طرف دیگر،

1. Turner Boundary Theory

کارآفرینی در مراحل اولیه توسعه بوده (Stam, 2015)، و مدل آیزنبرگ مدلی است که میان سیاستگذاران محبوبیت بیشتری دارد (Stam and Spigel, 2016). همچنین، تعداد ارجاعات به مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ در مقایسه با سایر مدل‌های اکوسیستم کارآفرینی بیشتر بوده است (Maleci, 2018). افزون بر این، مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ مدل مبنا جهت بررسی مفهوم اکوسیستم می‌باشد که شامل صدها عامل بوده که می‌توانند در شش قلمرو اصلی سیاست، فرهنگ، حمایت، بازار، سرمایه‌مالی و سرمایه‌انسانی گروه‌بندی شوند. لذا، در تحقیق حاضر مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ (۲۰۱۱) به‌عنوان مدل مبنا انتخاب شده است و سعی شده است تا موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور (سطح دوم) از دیدگاه فعالان استارت‌آپی کشور شناسایی شوند.

روش‌شناسی تحقیق: در این مطالعه‌ی کیفی که با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده، سعی شده است تا عوامل مؤلفه‌های موانع انسانی، موانع مالی، موانع بازار، موانع فرهنگی، موانع حمایتی (زیرساختی) و موانع سیاستی رشد اکوسیستم کارآفرینی شناسایی شوند. قابل ذکر است، پس از تعیین موضوع و مشخص شدن مسئله تحقیق، تعیین حجم نمونه صورت گرفت. با توجه به استفاده از روش تحقیق کیفی، از شیوه نمونه‌گیری متناسب با آن یعنی روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. این روش در برخی موارد نمونه‌گیری قضاوتی یا نمونه‌گیری نظری نیز نامیده می‌شود. در این روش مشارکت‌کنندگان خاص توسط محقق انتخاب به صورت آگاهانه انتخاب می‌شوند (Burns and Grove, 2005).

در این روش مشارکت‌کنندگان توسط محقق دست‌چین می‌شوند. چرا که یا به‌صورت مشخص دارای ویژگی و یا پدیده مورد نظر هستند و یا غنی از اطلاعات در موردی خاص می‌باشند. این روش بیشتر زمانی استفاده می‌شود که نیاز به نمونه‌های خبره وجود دارد

از آنجا که در مطالعات کیفی به‌طور معمول بین یک تا ۳۰ نمونه مدنظر می‌باشد (Fridlund and Hildingh, 2000)، لذا با توجه به هدف تحقیق ۱۵ نفر از فعالان استارت‌آپی و مطلعان کلیدی حوزه کسب‌وکارهای نوپا در دو بخش خصوصی و دولتی انتخاب و گزینش شدند که پاره‌ای از ویژگی‌های آنها به شرح جدول (۱) ارائه شده است. قابل ذکر است که سن افراد مورد مصاحبه بین ۳۵ تا ۵۵ سال بود. مدت مصاحبه‌ها که به شکل حضوری و در محل کار و فعالیت مصاحبه‌شوندگان انجام شد نیز از ۴۵ دقیقه تا ۲ ساعت و ۱۰ دقیقه متغیر بود و برخی مشارکت‌کنندگان بر حسب لزوم دوبار مورد مصاحبه قرار گرفتند. در گام بعدی با توجه به اهمیت واحد تحلیل برای آغاز کدگذاری و استخراج واحدهای معنایی (Graneheim and Lundman, 2004)، مصاحبه با هر یک از نفرات مصاحبه‌شونده انجام شد. گفتنی است، واحد معنایی تحقیق حاضر مشتمل بر واژه، جمله یا پاراگرافی بود که مفهومی از عوامل بازدارنده (موانع) مؤلفه‌های "مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ" را دربرداشت. همچنین، برای اطمینان از نتایج تحقیق، اعتبار یافته‌ها بررسی شدند. اعتبار یعنی این‌که نتایج تحقیق نشان‌دهنده پدیده مورد بررسی باشد (Richards and Morse, 2012). همچنین جهت بهبود قابلیت اطمینان نتایج، محققان از طریق همکاری با یکدیگر احتمال بروز خطاها را کم کردند. در این راستا، کدگذاری و تحلیل متون توسط دو تن از اعضای کمیته‌ی تحقیق انجام شد.

به‌منظور تحلیل محتوای مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته با فعالان استارت‌آپی و مطلعان کلیدی حوزه کسب‌وکارهای نوپا از رویه ارائه شده در جدول (۲) استفاده شد. به علاوه، در راستای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA₁₂ استفاده شد. در ادامه شمای گرافیکی مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ به‌عنوان مدل مبنای تحقیق آورده شده است.

روش‌شناسی تحقیق: در این مطالعه‌ی کیفی که با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده، سعی شده است تا عوامل مؤلفه‌های موانع انسانی، موانع مالی، موانع بازار، موانع فرهنگی، موانع حمایتی (زیرساختی) و موانع سیاستی رشد اکوسیستم کارآفرینی شناسایی شوند. قابل ذکر است، پس از تعیین موضوع و مشخص شدن مسئله تحقیق، تعیین حجم نمونه صورت گرفت. با توجه به استفاده از روش تحقیق کیفی، از شیوه نمونه‌گیری متناسب با آن یعنی روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. این روش در برخی موارد نمونه‌گیری قضاوتی یا نمونه‌گیری نظری نیز نامیده می‌شود. در این روش مشارکت‌کنندگان خاص توسط محقق انتخاب به صورت آگاهانه انتخاب می‌شوند (Burns and Grove, 2005).

در این روش مشارکت‌کنندگان توسط محقق دست‌چین می‌شوند. چرا که یا به‌صورت مشخص دارای ویژگی و یا پدیده مورد نظر هستند و یا غنی از اطلاعات در موردی خاص می‌باشند. این روش بیشتر زمانی استفاده می‌شود که نیاز به نمونه‌های خبره وجود دارد



شکل ۱- اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ

جدول ۱- فراوانی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های نیمه

| ساختاریافته | | |
|-------------|--|------|
| فراوانی | ماهیت مشارکت‌کنندگان | ردیف |
| ۱۱ | بخش خصوصی | ۱ |
| ۴ | بخش دولتی | ۲ |
| ۹ | دارای مدرک دکتری | ۳ |
| ۶ | دارای مدرک کارشناسی ارشد | ۴ |
| ۱۱ | دارای کسب و کار کارآفرینانه | ۵ |
| ۴ | دارای فعالیت مرتبط با کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار | ۶ |

جدول ۲- روند اجرای تحلیل محتوای مصاحبه‌های عمیق

| گام‌ها | فرایند | روند |
|--------|------------------------|--|
| ۱ | انتخاب واحدهای معنایی | در این گام متن مصاحبه‌ها مرور و واحد معنایی به شکل واژه، جمله و پاراگراف تعیین شد. دریافت مفهوم یا معنایی از عوامل بازدارنده (موانع) مؤلفه‌های "مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ" عامل اصلی انتخاب واحد معنایی بود. |
| ۲ | استخراج واحدهای معنایی | در این گام هر کدام از واحدهای معنایی (واژه، جمله یا پاراگراف) با حفظ مفهوم اصلی خود استخراج شدند. به این صورت که هر کدام از واحدهای انتخاب شده از مرحله‌ی قبل با حفظ مفهوم عوامل بازدارنده‌ی مؤلفه‌های مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ به شکل عبارات کوتاه ارائه گردیدند. |
| ۳ | کدگذاری | در این گام هر کدام از واحدهای معنایی کوتاه به یک عنوان مفهومی متناسب شدند که نشانگر معنای آن واحد بود. |
| ۴ | تشکیل خرده مقوله‌ها | برای تشکیل خرده‌مقوله‌ها به شناسایی کدهای دارای مفاهیم مشابه اقدام شد. در این مرحله کدهایی که دارای معنایی مشابه حول موانع مؤلفه‌های مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ بودند، در قالب یک خرده‌مقوله با نامی کوتاه‌شده قرار گرفتند. در نهایت، خرده‌مقوله‌هایی که مفاهیم مشابهی در خصوص موانع مؤلفه‌های مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ داشتند، در قالب یک مقوله گروه‌بندی شدند. |

منبع: Bengtsson, 2016

یافته‌ها

اکوسیستم استارت‌آپی "از خرده‌مقوله "نقش نامناسب دولت در ساخت اکوسیستم" بیشترین فراوانی‌ها را به‌خود اختصاص داده‌اند. کدهای "حمایت از استارت‌آپ‌های ضعیف" و "ضعف در سیاست‌های تشویقی افقی" از خرده‌مقوله "رهبری ناکارآمد" نیز بیشترین فراوانی‌ها را دارند.

در جدول (۴) به تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی متناسب به مؤلفه موانع فرهنگی پرداخته شده است.

در جدول (۳) به تحلیل موانع سیاستی پرداخته شده است. مطابق نتایج، مؤلفه‌ی موانع سیاستی دارای دو خرده‌مقوله‌ی "نقش نامناسب دولت در ساخت اکوسیستم" و "رهبری ناکارآمد" می‌باشد. همچنین، خرده‌مقوله "نقش نامناسب دولت در ساخت اکوسیستم" در این مضمون از اهمیت به‌نسبت بالاتری برخوردار است. قابل ذکر است، کدهای "وجود مقررات زائد و زیاد در اکوسیستم استارت‌آپی" و "همپوشانی و موازی‌کاری در سیاستگذاری‌های

جدول ۳- تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی متناسب به مؤلفه‌ی موانع سیاستی

| فراوانی | کدها | خرده‌مقوله‌ها |
|---------|---|-----------------------------------|
| ۱۰ | وجود مقررات زائد و زیاد در اکوسیستم استارت‌آپی | نقش نامناسب دولت در ساخت اکوسیستم |
| ۵ | همپوشانی و موازی‌کاری در سیاستگذاری‌های اکوسیستم استارت‌آپی | |
| ۴ | توسعه‌ی نامتوازن کشور | |
| ۳ | نگاه کوتاه‌مدت و موقتی دولتمردان به اکوسیستم | |
| ۳ | بالا بودن تعداد مجوزهای مورد نیاز جهت راه‌اندازی استارت‌آپ | |
| ۲ | زنجیره‌های متفرق آموزش و پرورش، آموزش عالی و معاونت علمی | |
| ۲ | نامعین بودن هدف دولت در ساخت اکوسیستم استارت‌آپی | |
| ۲ | مداخله‌ی زیاد دولت در ساخت اکوسیستم | |
| ۲ | نبود یک متولی مشخص برای اکوسیستم | |
| ۲ | همپوشانی در وظایف بازیگران دولتی اکوسیستم | |
| ۲ | عدم ثبات در قوانین و مقررات حوزه‌ی اکوسیستم | |
| ۲ | قدیمی بودن قوانین حوزه‌ی کسب‌وکار | |
| ۲ | نبود قوانین منسجم و یکپارچه در حوزه‌ی دریافت مجوزها | |
| ۲ | ناتوانی دولت در ساخت اکوسیستم و توسعه‌ی کارآفرینی | |
| ۲ | درگیری وزارت علوم با کارهای روزمره و دور از مباحث کارآفرینی | |
| ۲ | پررنگ بودن نقش مسائل سیاسی در اکوسیستم استارت‌آپی | |
| ۲ | نامشخص بودن جنس دولتی یا غیردولتی اکوسیستم | |
| ۲ | نگاه بخشی به موضوعات مختلف کشور | |
| ۲ | ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی کشور | |
| ۲ | کنترل منابع مالی رشد اکوسیستم در دست دولت | |
| ۲ | تخصیص ضعیف منابع مالی به استارت‌آپ‌ها | |
| ۲ | وجود مشکلات مالیاتی برای استارت‌آپ‌ها | |
| ۲ | ضعف در حوزه‌ی سیاست‌های تشویقی عمودی | |
| ۲ | توجه زیاد به فرایندهای پیشین رشد اکوسیستم | |
| ۲ | عدم توجه به فرایندهای پسین رشد اکوسیستم | |
| ۳ | حمایت از استارت‌آپ‌های ضعیف | رهبری ناکارآمد |
| ۳ | ضعف در سیاست‌های تشویقی افقی | |
| ۲ | عدم تشویق بانک‌ها جهت سرمایه‌گذاری در اکوسیستم | |

جدول ۴- تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی متناسب به مؤلفه‌ی موانع فرهنگی

| فراوانی | کدها | خرده‌مقوله‌ها |
|---------|---|---------------|
| ۶ | تنگناهای فرهنگی در اکوسیستم استارت‌آپی | مشکلات فرهنگی |
| ۴ | مشکل تیم‌سازی در استارت‌آپ‌ها | |
| ۳ | عدم پیاده‌سازی فرهنگ اکوسیستمی در جامعه | |
| ۲ | معضل مدرک‌گرایی در میان خانواده‌ها | |
| ۲ | عدم پیاده‌سازی فرهنگ رقابت در اکوسیستم | |
| ۲ | عدم پیاده‌سازی فرهنگ همزیستی در اکوسیستم | |
| ۲ | کم‌ارزش بودن جایگاه فرد کارآفرین در جامعه | |
| ۲ | کم‌ارزش بودن مقوله کارآفرینی در جامعه | |
| ۳ | نبود تفکر کارآفرینانه در کشور | |
| ۳ | نبود تفکر سیستمی و اکوسیستمی در کشور | |

| | | |
|---|--|---|
| ۲ | عدم درک ماهیت استارت‌آپ‌ها در نهادهای دولتی و غیردولتی | |
| ۲ | فقدان تفکر چند بعدی | درک نادرست از مفهوم استارت‌آپ در جامعه |
| ۲ | سیستمی | عدم درک ماهیت استارت‌آپ‌ها به‌عنوان بیزینس مدل در دانشگاه‌ها |
| ۲ | | عدم درک عمیق مدیران آموزش عالی از نگرش جوانان علاقمند به راه‌اندازی استارت‌آپ |
| ۳ | تقلید از اکوسیستم - | تقلید صرف از اکوسیستم‌های کارآفرینی موفق دنیا |
| ۳ | های موفق دنیا | پیاده‌سازی الگوهای موفق اکوسیستم کارآفرینی دنیا بدون توجه به پتانسیل‌های کشور |
| ۲ | | کمبود کسب‌وکارهای خلاقانه در اکوسیستم کارآفرینی کشور |

کشور" و "نبود تفکر سیستمی و اکوسیستمی در کشور" از خرده‌مقوله‌ی "فقدان تفکر چندبعدی و سیستمی" بیشترین فراوانی‌ها را دارا می‌باشند. کدهای "تقلید صرف از اکوسیستم‌های کارآفرینی موفق دنیا" و "پیاده‌سازی الگوهای موفق اکوسیستم کارآفرینی دنیا بدون توجه به پتانسیل‌های کشور" از خرده‌مقوله "تقلید از اکوسیستم‌های موفق دنیا" نیز بیشترین فراوانی‌ها را دارند.

در جدول (۵) به تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی منتسب به مؤلفه موانع حمایتی (زیرساختی) پرداخته شده است.

مطابق نتایج، مؤلفه‌ی موانع فرهنگی دارای سه خرده‌مقوله "مشکلات فرهنگی"، "فقدان تفکر چندبعدی و سیستمی" و "تقلید از اکوسیستم‌های موفق دنیا" می‌باشد. همچنین، "مشکلات فرهنگی" در این مضمون از اهمیت به‌نسبت بالاتری برخوردار است. قابل ذکر است، کدهای "تنگناهای فرهنگی در اکوسیستم استارت‌آپی"، "مشکل تیم‌سازی در استارت‌آپ‌ها" و "عدم پیاده‌سازی فرهنگ اکوسیستمی در جامعه" از خرده‌مقوله‌ی "مشکلات فرهنگی" بیشترین فراوانی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. به علاوه، کدهای "نبود تفکر کارآفرینانه در

جدول ۵- تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی منتسب به مؤلفه موانع حمایتی (زیرساختی)

| فراوانی | کدها | خرده‌مقوله‌ها |
|---------|--|-----------------|
| ۳ | عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی در آشنایی فعالان استارت‌آپی با این نهادها | |
| ۳ | عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی در رشد اکوسیستم استارت‌آپی شهرهای کوچک | عملکرد ضعیف |
| ۳ | نبود افراد باتجربه در نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی | نهادهای حرفه‌ای |
| ۳ | نبود افراد متخصص در نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی | حامی کارآفرینی |
| ۲ | عملکرد اشتباه نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی در رشد اکوسیستم | |
| ۲ | نگاه کاملاً مادی نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی | |

حامی کارآفرینی" و "نبود افراد متخصص در نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی" از خرده‌مقوله "عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی" بیشترین فراوانی‌ها را دارند.

در جدول (۶) به تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی منتسب به مؤلفه موانع بازار پرداخته شده است.

مطابق نتایج تحلیل محتوا، مؤلفه موانع حمایتی (زیرساختی) دارای یک خرده‌مقوله "عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی" می‌باشد. همچنین، کدهای "عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی در آشنایی فعالان استارت‌آپی با این نهادها"، "عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی در رشد اکوسیستم استارت‌آپی شهرهای کوچک"، "نبود افراد باتجربه در نهادهای حرفه‌ای

جدول ۶- تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی متناسب به مؤلفه موانع بازار

| خرده‌مقوله‌ها | کدها | فراوانی |
|-----------------------|--|---------|
| فضای نامناسب بازار | مناسب نبودن فضای رقابتی بازار | ۷ |
| | تأثیر تحریم‌ها بر رشد اکوسیستم | ۴ |
| | فقدان استراتژی‌های بازاریابی در استارت‌آپ‌ها | ۲ |
| | فقدان استراتژی‌های برندسازی در استارت‌آپ‌ها | ۲ |
| | کوچک بودن بازار برای استارت‌آپ‌ها | ۲ |
| | فاصله‌ی استارت‌آپ‌ها از نیازهای بازار کار | ۲ |
| | عدم شکل‌گیری زنجیره‌ی ارزش در اکوسیستم | ۲ |
| وضعیت نامناسب اقتصادی | عدم ثبات اقتصادی کشور | ۳ |
| | وجود رانت در نظام اقتصادی کشور | ۳ |
| | تأثیر شدید نوسانات نرخ ارز بر رشد اکوسیستم | ۲ |
| فقدان تعامل اکوسیستمی | نبود ارتباط و تعامل بین مؤلفه‌های اکوسیستم | ۴ |
| | عدم ارتباط استارت‌آپ‌ها با اکوسیستم جهانی | ۳ |

ثبات اقتصادی کشور" و "وجود رانت در نظام اقتصادی کشور" از خرده‌مقوله "وضعیت نامناسب اقتصادی" دارای بیشترین فراوانی‌ها می‌باشند. کد "نبود ارتباط و تعامل بین مؤلفه‌های اکوسیستم" از خرده‌مقوله‌ی "فقدان تعامل اکوسیستمی" نیز دارای بیشترین فراوانی می‌باشد.

در جدول (۷) به تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی متناسب به مؤلفه‌ی موانع انسانی پرداخته شده است.

مطابق نتایج، مؤلفه موانع بازار دارای سه خرده‌مقوله‌ی "فضای نامناسب بازار"، "وضعیت نامناسب اقتصادی" و "فقدان تعامل اکوسیستمی" می‌باشد. همچنین، خرده‌مقوله "فضای نامناسب بازار" در این مضمون از اهمیت به‌نسبت بالاتری برخوردار است. قابل ذکر است، کدهای "مناسب نبودن فضای رقابتی بازار" و "تأثیر تحریم‌ها بر رشد اکوسیستم" از خرده‌مقوله "فضای نامناسب بازار" بیشترین فراوانی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، کدهای "عدم

جدول ۷- تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی متناسب به مؤلفه موانع انسانی

| خرده‌مقوله‌ها | کدها | فراوانی |
|-----------------------|---|---------|
| فصله دانشگاه‌های کشور | فصله دانشگاه‌های کشور از اهداف و رسالت‌های دانشگاه کارآفرین | ۷ |
| | نقش کم‌رنگ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در رشد اکوسیستم | ۷ |
| | عدم حرکت دانشگاه‌ها از آموزش‌های تئوری به عملی | ۶ |
| | هدف‌گذاری نامشخص نظام آموزش عالی در حوزه‌ی اکوسیستم | ۶ |
| | ناکارآمدی آموزش عالی در حوزه کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار | ۵ |
| | نامناسب بودن محتواهای آموزشی ارائه‌شده در دانشگاه‌ها | ۴ |
| | عدم توجه دانشگاه‌ها به حل مشکلات جامعه | ۴ |
| | نبود فرصت کسب تجربه‌ی کارآفرینی برای نیروی انسانی در دانشگاه‌ها | ۳ |
| | توجه کم به ارتقاء دانش کارآفرینی نیروی انسانی در دانشگاه‌ها | ۲ |
| | نبود تعامل کارا بین آموزش و پرورش و آموزش عالی | ۲ |
| | ارزیابی اساتید با تعداد مقاله‌های چاپ شده در مجله‌های علمی | ۲ |
| | نقش پررنگ عوامل سیاسی در دانشگاه‌ها | ۲ |
| | عدم باور به کارآفرینی در دانشگاه‌ها | ۲ |

| فراوانی | کدها | خرده‌مقوله‌ها |
|---------|--|---------------------------|
| ۲ | عدم تأثیر مراکز آموزش عالی در ارتقاء روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان | فاصله دانشگاه‌های کشور تا |
| ۲ | عدم تأثیر مراکز آموزش عالی در ارتقاء مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان | رسیدن به دانشگاه کارآفرین |
| ۲ | عدم تعامل نظام آموزش عالی و اکوسیستم استارت‌آپی | |
| ۲ | عملکرد ضعیف دانشگاه‌ها در رشد اکوسیستم شهرهای کوچک | |
| ۲ | عدم ارتباط دانشگاه‌ها با بازار | |
| ۲ | توجه صرف دانشگاه‌ها به ارتقاء رنکینگ علمی | |
| ۲ | ارتباط اندک مقالات دانشگاهی با المان‌های موجود در صنعت | |
| ۲ | نبود اتاق‌فکر اکوسیستم کارآفرینی در نظام آموزش عالی | |
| ۲ | کارا نبودن الگوی آموزشی نظام آموزش عالی در حوزه‌ی کارآفرینی | |
| ۲ | اختصاص بودجه‌های دانشگاهی به علایق برخی اساتید | |
| ۲ | انحصار تجهیزات و آزمایشگاه‌ها در دست برخی اساتید | |
| ۲ | وجود رشته‌های غیرکاربردی در نظام آموزش عالی | |
| ۲ | عدم امکان پیاده‌سازی آموزه‌های دانشگاهی در بازار کار | |
| ۲ | نقش نامناسب اعضای هیأت علمی در رشد اکوسیستم استارت‌آپی دانشگاه‌ها | |
| ۲ | نقش نامناسب دانشجویان دکترا در رشد اکوسیستم استارت‌آپی دانشگاه‌ها | |
| ۷ | عدم پرورش نیروی انسانی ماهر در دانشگاه‌ها | فقدان نیروی انسانی ماهر |
| ۴ | آشنا نبودن اعضای هیأت علمی با مفاهیم کارآفرینی | |
| ۳ | عدم تغییر رویکرد اعضای هیأت علمی در حوزه‌ی کارآفرینی | |
| ۲ | عدم روحیه کارآفرینی اعضای هیأت علمی به دلیل قوانین دانشگاهی | |
| ۲ | عدم روحیه کارآفرینی دانشجویان به دلیل قوانین دانشگاهی | |
| ۲ | آشنا نبودن دانشجویان با مباحث مالی کارآفرینی | |
| ۲ | آشنا نبودن دانشجویان با مباحث آینده‌نگری و آینده‌پژوهی | |
| ۲ | آشنا نبودن دانشجویان با ریسک‌های کسب‌وکار | |
| ۲ | عدم پرورش خلاقیت و نوآوری دانشجویان در دانشگاه‌ها | |
| ۲ | آشنا نبودن دانشجویان با پرورش ایده و ایده‌پردازی | |
| ۲ | فقدان مهارت‌های آماده‌سازی طرح کسب‌وکار در میان دانشجویان | |
| ۲ | ورودی‌های ضعیف (نیروی انسانی ضعیف) مراکز آموزش عالی | |

نامشخص نظام آموزش عالی در حوزه‌ی اکوسیستم " از خرده‌مقوله‌ی "فاصله دانشگاه‌های کشور تا رسیدن به دانشگاه کارآفرین" بیشترین فراوانی‌ها را به‌خود اختصاص داده‌اند. به علاوه، کدهای "عدم پرورش نیروی انسانی ماهر در دانشگاه‌ها"، "آشنا نبودن اعضای هیأت علمی با مفاهیم کارآفرینی" و "عدم تغییر رویکرد اعضای هیأت علمی در حوزه‌ی کارآفرینی" از خرده‌مقوله "فقدان نیروی انسانی ماهر" دارای بیشترین فراوانی‌ها می‌باشند. در جدول (۸) به تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی متناسب به مؤلفه موانع مالی پرداخته شده است.

مطابق نتایج تحلیل محتوا، مؤلفه موانع انسانی دارای دو خرده‌مقوله‌ی "فاصله دانشگاه‌های کشور تا رسیدن به دانشگاه کارآفرین" و "فقدان نیروی انسانی ماهر" می‌باشد. همچنین، خرده‌مقوله‌ی "فاصله دانشگاه‌های کشور تا رسیدن به دانشگاه کارآفرین" در این مضمون از اهمیت به نسبت بالاتری برخوردار است. قابل ذکر است، کدهای "دور بودن دانشگاه‌های کشور از اهداف و رسالت‌های دانشگاه کارآفرین"، "نقش کم‌رنگ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در رشد اکوسیستم"، "عدم حرکت دانشگاه‌ها از آموزش‌های تئوری به عملی" و "هدف‌گذاری

جدول ۸- تحلیل واحدهای معنایی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی متناسب به مؤلفه موانع مالی

| فرآوانی | کدها | خردهمقوله‌ها |
|---------|--|--------------------------|
| ۴ | کمبود سرمایه در اکوسیستم استارت‌آپی | |
| ۴ | کمبود سرمایه‌گذار در اکوسیستم استارت‌آپی | |
| ۳ | عدم دسترسی به منابع مالی مناسب در اکوسیستم استارت‌آپی | مشکل سرمایه و سرمایه- |
| ۳ | کمبود سرمایه‌گذار خطرپذیر در اکوسیستم استارت‌آپی | گذاری |
| ۲ | اختصاص منابع مالی بانک‌ها به بخش‌هایی غیر از اکوسیستم استارت‌آپی | |
| ۲ | نقش اقتصادی صرف بانک‌ها به جای نقش تسهیل‌گر مالی | |
| ۳ | اتکاء شتاب‌دهنده‌ها به منابع مالی دولتی | |
| ۳ | اتکاء کارآفرینان به منابع مالی دولتی | اتکاء بیش از حد به منابع |
| ۳ | اتکاء استارت‌آپ‌ها به منابع مالی دولتی | مالی دولتی |
| ۲ | اتکاء بیش از حد استارت‌آپ‌ها به سرمایه‌گذار | |

است. لذا، نیاز به وجود یک رویکرد اکوسیستمیک یا روابط درهم‌تنیده‌ای از عناصر آن احساس شد. در همین راستا، رویکرد اکوسیستم کارآفرینی به‌عنوان مبنایی برای طراحی سیاست‌های کارآفرینی ظهور یافت. مرور مبانی نظری اکوسیستم کارآفرینی حاکی از آن است که اکوسیستم کارآفرینی یک الگوی رشد را برای کارآفرینان فراهم می‌نماید و با تعیین شاخص‌ها و عناصر مرتبط، فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی کرده و زمینه را برای رشد فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم می‌کند. در حقیقت، اکوسیستم کارآفرینی موجود در کشورها است که تعیین می‌کند افراد به سمت کارآفرینی حرکت نمایند یا خیر؟

مطابق نتایج، مؤلفه موانع سیاستی دارای دو خردهمقوله‌ی نقش نامناسب دولت در ساخت اکوسیستم و رهبری ناکارآمد بود. به‌طوری که، وجود مقررات زائد و زیاد در اکوسیستم استارت‌آپی، همپوشانی و موازی‌کاری در سیاست‌گذاری‌های اکوسیستم استارت‌آپی، توسعه‌ی نامتوازن کشور، حمایت از استارت‌آپ‌های ضعیف و ضعف در سیاست‌های تشویقی افقی از جمله موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور می‌باشند. همچنین، مؤلفه موانع فرهنگی دارای سه خردهمقوله‌ی مشکلات فرهنگی،

مطابق نتایج، مؤلفه‌ی موانع مالی دارای دو خردهمقوله "مشکل سرمایه و سرمایه‌گذاری" و "اتکاء بیش از حد به منابع مالی دولتی" می‌باشند. همچنین، خردهمقوله "مشکل سرمایه و سرمایه‌گذاری" در مضمون موانع مالی از اهمیت به‌نسبت بالاتری برخوردار است. قابل ذکر است، کدهای "کمبود سرمایه در اکوسیستم استارت‌آپی" و "کمبود سرمایه‌گذار در اکوسیستم استارت‌آپی" از خردهمقوله "مشکل سرمایه و سرمایه‌گذاری" دارای بیشترین فراوانی‌ها می‌باشند. به علاوه، کدهای "اتکاء شتاب‌دهنده‌ها به منابع مالی دولتی"، "اتکاء کارآفرینان به منابع مالی دولتی" و "اتکاء استارت‌آپ‌ها به منابع مالی دولتی" از خردهمقوله‌ی "اتکاء بیش از حد به منابع مالی دولتی" دارای بیشترین فراوانی‌ها می‌باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این مطالعه با هدف تحلیل محتوای موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور انجام شده است که نتایج آن در ادامه تشریح می‌شود. با وجود درک مقوله کارآفرینی و اهمیت آن در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای هم‌چون ایران توجه کافی به کارآفرینی متوجه دیدگاه‌های بخشی به‌جای دیدگاه سیستماتیک بوده

فقدان تفکر چندبعدی و سیستمی و تقلید از اکوسیستم‌های موفق دنیا بود. به طوری که، تنگناهای فرهنگی در اکوسیستم استارت‌آپی، مشکل تیم‌سازی در استارت‌آپ‌ها، عدم پیاده‌سازی فرهنگ اکوسیستمی در جامعه، نبود تفکر کارآفرینانه در کشور، نبود تفکر سیستمی و اکوسیستمی در کشور، تقلید صرف از اکوسیستم‌های موفق دنیا و پیاده‌سازی الگوهای موفق اکوسیستم کارآفرینی دنیا بدون توجه به پتانسیل‌های کشور از جمله موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور می‌باشند.

موانع حمایتی (زیرساختی) نیز دارای یک خرده مقوله عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی بود. به طوری که، عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی در آشنایی فعالان استارت‌آپی با این نهادها، عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی در رشد اکوسیستم استارت‌آپی شهرهای کوچک، نبود افراد باتجربه در نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی و نبود افراد متخصص در نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی از جمله موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور می‌باشند. موانع بازار نیز دارای سه خرده‌مقوله فضای نامناسب بازار، وضعیت نامناسب اقتصادی و فقدان تعامل اکوسیستمی بود. به طوری که، مناسب نبودن فضای رقابتی بازار، تأثیر تحریم‌ها بر رشد اکوسیستم کارآفرینی، عدم ثبات اقتصادی کشور، وجود رانت در نظام اقتصادی کشور، نبود ارتباط و تعامل بین مؤلفه‌های اکوسیستم کارآفرینی و عدم ارتباط استارت‌آپ‌ها با اکوسیستم جهانی از جمله موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور می‌باشند. همچنین، مؤلفه موانع انسانی دارای دو خرده‌مقوله فاصله دانشگاه‌های کشور تا دانشگاه کارآفرین و فقدان نیروی انسانی

ماهر بود. به طوری که، دور بودن دانشگاه‌های کشور از اهداف و رسالت‌های دانشگاه کارآفرین، نقش کم‌رنگ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در رشد اکوسیستم کارآفرینی، عدم حرکت دانشگاه‌ها از آموزش‌های تئوری به عملی، هدف‌گذاری نامشخص نظام آموزش عالی در حوزه‌ی اکوسیستم کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار، عدم پرورش نیروی انسانی ماهر در دانشگاه‌ها، آشنا نبودن اعضای هیأت علمی با مفاهیم کارآفرینی و عدم تغییر رویکرد اعضای هیأت علمی در حوزه‌ی کارآفرینی از جمله موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور می‌باشند. مؤلفه‌ی موانع مالی نیز دارای دو خرده‌مقوله‌ی مشکل سرمایه و سرمایه‌گذاری و اتکاء بیش از حد به منابع مالی دولتی بود. به طوری که، کمبود سرمایه در اکوسیستم استارت‌آپی، کمبود سرمایه‌گذار در اکوسیستم استارت‌آپی، عدم دسترسی به منابع مالی در اکوسیستم استارت‌آپی، اتکاء شتاب‌دهنده‌ها به منابع مالی دولتی، اتکاء کارآفرینان به منابع مالی دولتی و اتکاء استارت‌آپ‌ها به منابع مالی دولتی از جمله موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور می‌باشند. هدف از رتبه‌بندی موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی از دیدگاه فعالان استارت‌آپی و مطلعان کلیدی حوزه کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز نوپا مشخص کردن مؤلفه‌هایی بود که مانع از رشد اکوسیستم کارآفرینی می‌شوند که مطابق رتبه‌بندی مؤلفه‌ها، مؤلفه‌ی موانع انسانی رتبه اول را در میان موانع رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور به خود اختصاص داد و بعد از آن مؤلفه‌ی موانع سیاستی رتبه بعدی را از آن خود نمود. به عبارتی، مؤلفه‌ی موانع انسانی و عامل‌های آن یعنی فاصله دانشگاه‌های کشور تا رسیدن به دانشگاه کارآفرین و فقدان نیروی انسانی ماهر رتبه نخست را در ممانعت از رشد اکوسیستم کارآفرینی

جذابیت پایین فعالیت در بخش کشاورزی به منظور جذب سرمایه، تفکر هزینه بالا و حاشیه سود پایین فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی، هزینه بالای تأمین تجهیزات و ملزومات اولیه جهت راه‌اندازی استارت‌آپ کشاورزی، ائتلاف ایده به دلیل طولانی بودن روند اخذ پروانه ساخت در بخش کشاورزی، که با نتایج این مطالعه همخوانی نداشت. زیرا، مطابق یافته‌های این مطالعه مانع مالی از اهمیت کمتری در ممانعت از رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور برخوردار بود. با توجه به نتایج مطالعه پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- حرکت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشاورزی کشور در مسیر خلق دانشگاه کارآفرین؛
- ارائه آموزش‌های مهارتی لازم در حوزه کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشاورزی کشور؛
- تعدیل میزان دخالت‌های (مستقیم و غیرمستقیم) دولت در ساخت اکوسیستم کارآفرینی؛
- افزایش سطح مشارکت بخش خصوصی از طریق واگذاری بخشی از فعالیت‌های حوزه کارآفرینی (نقل و انتقال دارایی‌ها، تصدی‌ها و مدیریت‌ها و...) توسط دولت؛
- در نظر گرفتن برنامه‌های آموزشی با رویکرد کارآفرینانه جهت علاقمند نمودن دانشجویان به کارآفرینی و راه‌اندازی استارت‌آپ؛
- معرفی دانشجویان دارای استارت‌آپ مستقر در مراکز رشد دانشگاهی و پارک‌های علم و فناوری به بانک جهت دریافت تسهیلات با بهره کم و تنفس طولانی.

در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور داشته و بعد از آن مؤلفه‌ی موانع سیاستی و عامل‌های آن یعنی نقش نامناسب دولت در ساخت اکوسیستم و رهبری ناکارآمد اهمیت بسزا و چشمگیری در ممانعت از رشد اکوسیستم کارآفرینی داشتند. قابل ذکر است، مشکلات فرهنگی، نبود تفکر چندبعدی و سیستمی، تقلید از اکوسیستم‌های موفق دنیا (عامل‌های مؤلفه‌ی موانع - فرهنگی)، فضای نامناسب بازار، وضعیت نامناسب اقتصادی، فقدان تعامل اکوسیستمی (عامل‌های مؤلفه موانع بازار)، مشکل سرمایه و سرمایه‌گذاری، اتکاء بیش از حد به منابع مالی دولتی (عامل‌های مؤلفه‌ی موانع مالی) و عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای حامی کارآفرینی (عامل مؤلفه‌ی موانع حمایتی) در ممانعت از رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور در رتبه‌های پایین‌تر قرار داشتند. قابل ذکر است، مطابق یافته‌های داوری و همکاران (۱۳۹۶) حمایت‌ها، سرمایه‌انسانی، بازارها، فرهنگ، سیاست و سرمایه‌ی مالی بر اکوسیستم کارآفرینی ایران تأثیرگذار می‌باشند که با نتایج این مطالعه مطابقت داشت. زیرا، مشخص شد که مانع حمایتی بازدارنده رشد اکوسیستم کارآفرینی در بستر نظام آموزش عالی کشاورزی کشور نمی‌باشد. افزون بر این، مطابق یافته‌های داوری و همکاران (۱۳۹۶) مؤلفه‌ی سرمایه انسانی در اکوسیستم کارآفرینی تأثیر بسزایی دارد، که با نتایج این مطالعه همخوانی نداشت. زیرا، مشخص شد که مانع انسانی نقش بسیار پررنگی در ممانعت از رشد اکوسیستم کارآفرینی دارد. همچنین، مطابق مطالعات نادری و همکاران (۱۳۹۵) عمده موانع ایجاد و راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپای کشاورزی عبارت بودند از:

منابع

خوداشتغالی: ارائه یک مدل نظری. راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۶(۱۲): ۱۳۸-۱۲۵.

۱. ابدی، ب. ۱۳۹۹. تحلیل شماتیک انتظارات دانشجویان کشاورزی دانشگاه مراغه از درس کارآفرینی و

۲. انتظاری، ی. ۱۳۹۷. تحلیل تأثیر دانشگاه بر توسعه منطقه‌های در ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۴(۲): ۱-۲۵.
۳. بیژنی، م.، فلاح‌حقیقی، ن.، کرمی، غ.، عسگری قدس، م.، و زند، م. ۱۳۹۴. واکاوی ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان و عوامل پیش‌برنده و بازدارنده کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی (مورد مطالعه: واحدهای منطقه ۵ دانشگاه آزاد اسلامی). مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۸(۱): ۹۴-۷۹.
۴. حسین‌پور، ا.، و رضایی، م. ۱۳۸۹. بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی به کارآفرینی. توسعه کارآفرینی، ۳(۱۰): ۱۵۳-۱۳۵.
۵. داوری، ع.، سفیدبری، ل.، و باقرصاد، و. ۱۳۹۶. عوامل اکوسیستم کارآفرینی ایران بر اساس مدل آیزنبرگ. توسعه کارآفرینی، ۱۰(۱): ۱۲۰-۱۰۰.
۶. رستمی، ف.، گراوندی، ش.، و زرافشانی، ک. ۱۳۹۰. پدیدارشناسی تجربیات دانشجویان در تأسیس کسب و کار (مطالعه موردی: دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه). توسعه کارآفرینی، ۴(۱۴): ۸۷-۱۰۵.
۷. رضایی، ر.، کریمی، آ.، میری‌کرم، ف.، و صفا، ل. ۱۳۹۱. بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های کشاورزی در زمینه کارآفرینی. توسعه کارآفرینی، ۵(۳): ۸۴-۶۵.
۸. عابدی، ب.، برادران، م.، خسروی‌پور، ب.، یعقوبی، ج.، و یزدان پناه، م. ۱۳۹۶. شناسایی موانع فراروی ایجاد دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی با استفاده از نظریه مبنایی. فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۰(۱): ۵۲-۴۱.
۹. عبدالله‌زاده، غ.، شریف‌زاده، ا.، عربیون، ا.، و طلائی، م. ۱۳۹۱. شناسایی و اولویت‌بندی سرفصل‌ها و محتوای دوره‌های آموزش کارآفرینی بر اساس کارکردهای کسب و کار. نشریه نامه آموزش عالی، ۵(۱۸): ۱۱۳-۸۹.
۱۰. غلامی، ح.، قاسمی، ج.، افضلی، ا. ۱۳۹۹. تحلیل اشتغال-پذیری دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی
- دانشگاه تهران. راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی. (۱۳)۷: ۱۱۴-۱۲۶.
۱۱. فلاح، م.؛ امیری، م.؛ حاج‌حیدری، ن.؛ سیدامیری، ن.؛ و اسفیدانی، م. ر. ۱۳۹۸. طراحی الگوی اکوسیستم کارآفرینی کسب و کارهای نوپای حوزه IT (مورد مطالعه: خراسان جنوبی). پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۲(۴۵): ۸۴-۵۹.
۱۲. مرجائی، س. س.، و پورآتشکی، م. ۱۳۹۵. کاربست کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران به مثابه یک مسأله. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۲): ۲۸۶-۲۵۱.
۱۳. مردان‌شاهی، م. م. ۱۳۹۶. عامل‌های تأثیرگذار بر صلاحیت راه‌اندازی کسب و کار دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی مازندران. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۱: ۹۶-۱۰۹.
۱۴. میثمی، ا. م.، محمدی‌الیاسی، ق.، مبینی‌دهکردی، ع.، و حجازی، س. ر. ۱۳۹۶. ابعاد و مولفه‌های اکوسیستم کارآفرینی فناورانه در ایران. مدیریت توسعه فناوری، ۲(۳): ۴۲-۹.
۱۵. نادری، ن.، یوسفی، ز.، و رضایی، ب. ۱۳۹۵. پدیدارشناسی موانع ایجاد و راه‌اندازی استارت‌آپ‌های کشاورزی. مجله راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۳(۵): ۴۶-۳۵.
16. Bengtsson, M. 2016. How to plan and perform a qualitative study using content analysis. *Nursing Plus Open*, 2: 8-14.
17. Boswell, C., and Cannon, Sh. 2012. *Introduction to nursing research*. 3rd ed. Burlington, MA: Jones & Bartlett Publishers.
18. Bruns, K., Bosma, N., Sanders, M., and Schramm, M. 2017. Searching for the existence of entrepreneurial ecosystems: a regional cross-section growth regression approach. *Small Business Economics*, 49(1): 31
- Burns, N., Grove, S.K. 2005. *The practice of nursing research; conduct, critique, and utilization*. 5th ed. Philadelphia, PA: Elsevier Saunders.
19. Czarnitzki, D., Thorsten. D., Katrin. H., Paula. S., and Andrew A. T. 2016. Knowledge creates markets: The influence of entrepreneurial support and patent

- Oriented Entrepreneurship. Final Report to OECD, Paris, 30(1): 77-102.
31. Miller, D.J., and Acs. Z.J. 2017. The campus as entrepreneurial ecosystem: the University of Chicago. *Small Business Economics*, 49(1): 75-95.
 32. Morris, M.H., Shirokova. G., and Tsukanova. T. 2017. Student entrepreneurship and the university ecosystem: a multi-country empirical exploration. *European Journal of International Management*, 11(1): 65-85.
 33. Rice, M.P., Fetters. M.L., and Green. P.G. 2014. University- based entrepreneurship ecosystem: A global study of six educational institutions. *International Journal of Entrepreneurship and Innovation Management*, 18: 481-501.
 34. Richards, L., and Morse. J.M. 2012. *Readme first for a user's guide to qualitative methods*. Sage.
 35. Sieger, P., Fueglistaller. U., and Zellweger. T. 2014. Student entrepreneurship across the globe: a look at intentions and activities.
 36. Spigel, B. 2017. The Relational Organization of Entrepreneurial Ecosystems. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41(1): 49-72.
 37. Stam, E. 2015. Entrepreneurial Ecosystems and Regional Policy: A Sympathetic Critique. *European Planning Studies*, 1759–1769.
 38. Stam, E., and Spigel. B. 2016. Entrepreneurial Ecosystems. In R. Blackburn, D. De Clercq, J. Heinonen, & Z. Wang (Eds.), *Handbook for Entrepreneurship and Small Business*, London, UK: Sage.
 39. Stucki, T. 2016. How the founders' general and specific human capital drives export activities of start-ups. *Research Policy*, 45(5): 1014-1030.
 40. Thomsen, B., Muurlink. O., and Best. T. 2018. The political ecology of university-based social entrepreneurship ecosystems. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 12(2): 199-219.
 41. Toledano, N., and Urbano. D. 2008. Promoting entrepreneurial mindsets at universities: a case study in the South of Spain. *European Journal of International Management*, 2(4): 382-399
 - rights on academic entrepreneurship. *ZEW Discussion Papers*, 16-036.
 20. Forfas, F. 2009. *Entrepreneurial Ecosystem: South West Ireland, rethinking entrepreneurship. Baseline Data and Analysis*. South West Ireland. Dublin. 26. Available at: www.forfas.ie.
 21. Flavell, R. B. 2017. Innovations continuously enhance crop breeding and demand new strategic planning. *Global Food Security*, 12: 15-21.
 22. Fridlund, B., and Hildingh. C. 2000. Health and qualitative analysis methods. In Fridlund, B. & Hildingh, C. (Eds.). *Qualitative research, methods in the service of health: Student literature*. 13-25.
 23. Fu, E., and Hsia. T. 2017. Universities and entrepreneurial ecosystems: Elements of the Stanford-Silicon Valley success. *Kauffman Fellows Report*, 5, 2014.
 24. Graneheim, U. H., Lundman, B. 2004. Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse education today*, 24(2): 105-112.
 25. Hejazi, Y., Hashemi, S.M., and Malek Mohammadi. E. 2008. Iranian agricultural graduates and agri-business ventures. *American Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Science*, 4(3): 311-317.
 26. Isenberg, D. 2010. *How to Start an Entrepreneurial Revolution*. Harvard Business Review.
 27. Isenberg, D. 2011. The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: principles for cultivating entrepreneurship. Presentation at the Institute of International and European Affairs, May 12, 2011, Dublin Ireland, Available on line at <http://entrepreneurialrevolution.com/>.1-32.
 28. Kuratko, D.F., Fisher. G., Bloodgood. J.M., and Hornsby. J.S. 2017. The paradox of new venture legitimization within an entrepreneurial ecosystem. *Small Business Economics*, 49: 119–140.
 29. Malecki, E. 2018. *Entrepreneurship and entrepreneurial ecosystems*. Wileyonlinelibrary.com/journal/gec3, 1-21.
 30. Mason, C., and Brown. R. 2014, a. *Entrepreneurial Ecosystems and Growth*



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 8(2), 2021
<http://jead.gau.ac.ir>

Content Analysis of the Barriers to Entrepreneurship Ecosystem Growth in the Context of the Agricultural Higher Education System

**Z. Motamedinia^{1*}, S.H. Movahed Mohamadi², A. Alambaigi³,
H. Mahdizadeh⁴**

¹Director of Institutions and Marketing of Ilam Science and Technology Park, Ilam, Iran.

²Prof., Department of Agricultural Extension & Education, Faculty of Agricultural Economics and Development, University of Tehran, Karaj, Iran.

³Assistant Prof., Department of Agricultural Extension & Education, Faculty of Agricultural Economics and Development, University of Tehran, Karaj, Iran.

⁴Assistant Prof., of Entrepreneurship and Rural Development, Faculty of Agricultural, Ilam University, Iran.

Received: 23/09/2021; Accepted: 13/11/2021

Abstract

The current research was conducted with the purpose of content analysis of the barriers to entrepreneurship ecosystem growth in the context of agricultural higher education system. This study was led with an inductive approach using a qualitative content analysis method. Based on purposive sampling, startup activists were analyzed in two sections of private and public sector. The MAXQDA12 software was used to manage and analyze data. These units were categorized according to their common themes. Finally, based on their correlations, the categories were put into separate classifications called “themes”. According to the findings, the subcomponents of “improper role of government in building ecosystem” and “inefficient leadership” from the component of political barriers; the subcomponents of “cultural problems”, “lack of multidimensional and systemic thinking” and “imitation the world's successful ecosystems” from the component of cultural barriers; the subcomponent of “poor performance of professional institutions supporting entrepreneurship” from the component of supportive barriers; the subcomponents of “improper market atmosphere”, “improper economic condition” and “lack of ecosystem interaction” from the component of market barriers; the subcomponents of “distance between the country's universities and reaching the entrepreneurial university” and “lack of skilled manpower” from the component of human barriers and the subcomponents of “problem of capital and investment” and “excessive reliance on government funding” were found to be of the highest level of importance. Moreover, the components of human barriers was found to have the first priority in preventing the entrepreneurship ecosystem growth. Therefore, it is suggested that universities and agricultural higher education centers provide the necessary skill training in the fields of entrepreneurship and startup businesses for agricultural students.

Keywords: Content Analysis, Barriers, Entrepreneurship Ecosystem, Isenberg’ Model, Agricultural Higher Education .

*Corresponding author; zohreh.motamedi@ut.ac.ir